

معنی کلمات درس پنجم عربی دهم

سائل: مایع	بَکْتِیرِیَا: باکتری	إِبْتَعَدَ: دور شد «حَتَّى تَبْتَعدَ: تا دور شود»
ضَوْء: نور «جمع: أضواء»	بوم، بومَه: جغد	إِتْجَاه: جهت
ظَلَام: تاریکی	تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت	أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُدیرَ: که بچرخاند»
عَوَضَ: جبران کرد	تَحْتَوَى: در بر دارد	أَنْ تَرَى: که ببیند
قِط: گربه	تَحَرَّكَ: حرکت کرد	إِسْتَفَادَ: بهره بُرد «أَنْ یُسْتَفیدَ: که بهره ببرد»
لَعِقَ: لیسید	تَشْشُرُ: پخش می‌کند	إِضَافَةُ إِلَى: افزون بر
مُضِیء: نورانی	جُرْح: زخم	أَعْشَاب طِبِیَّه: گیاهان دارویی «مفرد: عَشْب طِبِی»
مُطَهِّر: پاک کننده	حَرَّكَ: حرکت داد	أَفْرَزَ: ترشح کرد
وَقایه: پیشگیری	حَوَّلَ: تبدیل کرد	إِلْتَمَأَ: بهبود یافت «أَنْ یَلْتَمَأَ: تا بهبود یابد»
مَلَك: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد	جِرْبَاء: آفتاب پرست	إِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن
یَسْتَطِیعُ: می‌تواند = یَقْدِرُ	دَلَّ: راهنمایی کرد	إِنَارَه: نورانی کردن
یَسْتَعِینُ بِ: از ... یاری می‌جوید	دُونَ أَنْ: بی آنکه «دُونَ أَنْ تُحَرِّکَ: بی آنکه حرکت بدهد»	بَرَّی: خشکی، زمینی «نَبَاتَاتُ بَرِّیَّة: گیاهان صحرایی»
یَنْبَغِثُ: فرستاده می‌شود	ذَنْب: دُم «جمع: أذناب»	بَط، بَطَه: اردک
	زَیْت: روغن «جمع: زُیوت»	

جواب درست نادرست صفحه ۶۸ عربی دهم

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

معنی: جملات صحیح و نادرست را با توجه به حقایق و حقایق شناسایی کنید.

۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ عَنِ الْخَطَرِ ✗. نادرست

معنی: زرافه صدایی دارد که به حیوانا هشدار میدهد تا از منطقه خطر دور شوند.

۲- تَحْوُلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ ✓. درست

معنی: ماهیهای نورانی تاریکی دریا را به روشنایی روز تبدیل میکنند

۳- تَسْتَطِيعُ الْجُرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ ✗. نادرست

معنی: آفتابپرس میتواند چشمانش را در یک جهت بچرخاند

۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدِّ تَفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا ✓. درست

معنی: زبان گربه پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح میکنند.

۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ ✗. نادرست

معنی: حیواناتی آبی در اعماق اقیانوس زندگی نمیکنند.

۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْيَوْمَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ ✗. نادرست

معنی: سر جغد در یک جه حرکت میکند.

جواب و معنی صفحه ۷۰ عربی دهم

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

جمله لفظی و جمله اسمی را مشخص کنید سپس عطف کلمات رنگی را ذکر کنید.

۱- (يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ)

خدا برای مردم مثال ها می زند.

الله: فاعل - الْأَمْثَالَ: مفعول

۲- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.

تباہ کردن فرصت اندوه است.

إِضَاعَةُ: مبتدا - غُصَّةٌ: خبر

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

احادیث را ترجمه کنید، سپس عطف کلمات رنگی را مشخص کنید.

۱- الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

حسد خوبی ها را می خورد، همان طور که آتش هیزم را می خورد.

الْحَسَدُ: مبتدا - النَّارُ: فاعل - الْحَطَبُ: مفعول

۲- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ .

خداوند چیزی را برای بندگان بهتر از عقل قسمت نکرد.

الله: فاعل - شَيْئاً: مفعول

۳- ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.

نتیجه علم خالص کردن عمل است.

ثَمَرُهُ: مبتدا - إِخْلَاصُ: خبر

معنی حواری صفحه ۷۱ عربی دهم

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

مَعَ سَائِقِ سَيَّارِهِ الْأَجْرِهِ

با راننده تاکسی

السَّائِقُ معنی: گردشگر	سَائِقُ سَيَّارِهِ الْأَجْرِهِ معنی: راننده تاکسی
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ. معنی: ای راننده! می‌خواهیم به مداین برویم.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا. معنی: من در خدمت شما هستم. بفرمایید.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟ معنی: مسافت از بغداد تا آنجا چقدر است؟	أَطْنُ الْمَسَافَةِ سَبْعَةٌ وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِترًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟ معنی: گمان می‌کنم ۳۷ کیلومتر باشد، عجیب است؛ چرا به آنجا می‌روید.
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟! معنی: برای زیارت مرقد سلمان فارسی و دیدن طاق کسری؛ چرا تعجب می‌کنی؟	لَأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ. معنی: برای اینکه جز تعداد اندکی از زائران به مداین نمی‌روند.
فِي الْبُدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعُتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدْنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ. معنی: در ابتدا به زیارت عتبات مقدس در شهرهای چهارگانه (کربلا ، نجف ، سامرا و کاظمین) مشرف شدیم.	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٍ لِلْجَمِيعِ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟ معنی: زیارت همه قبول باشد، آیا می‌دانی سلمان فارسی کیست یا نه؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ. معنی: بله؛ او را می‌شناسم. او از یاران پیامبر(ص) است و اصل و نسبش اصفهانی است.	أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى؟ معنی: آفرین! آیا معلوماتی درباره طاق کسری داری؟

ماشاءالله!

معنی: ماشاءالله!

بَارَكَ اللهُ فِيكَ!

معنی: آفرین بر تو!

مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!

معنی: معلومات تو زیاد است!

بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ.

معنی: البته؛ قطعاً آن یکی از قصرهای پادشاهان ساسانی قبل از اسلام است.

قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى:

معنی: دو شاعر بزرگ، دو قصیده‌ای هنگام دیدن‌شان از ایوان کسری سروده‌اند،

الْبَحْرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِي، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.

معنی: بحرّی از بزرگترین شاعران عرب و خاقانی، شاعر ایرانی.

جواب تمرین صفحه ۷۲ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین یک _ الاول

□ أَوَّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ؟

کدام یک از کلمات لغتنامه برای توضیحات زیر مناسب است؟

۱ - طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ). البومه: جغد)

معنی: پرنده‌ای که در جاهای متروکه زندگی می‌کند، روز می‌خوابد و شب بیرون است.

۲ - عُضْوٌ فِي خَلْفِ جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِباً لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ). الذَّنَبُ: دم)

معنی: عضوی در پشت بدن حیوان که معمولاً آن را برای راندن حشرات تکان می‌دهد.

۳ - نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ). الْأَعْشَابُ الطَّبِيَّةُ: گیاهان دارویی)

معنی: گیاهان مفیدی برای معالجه که از آنها مانند دارو استفاده می‌کنیم.

۴ - طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ). الْبَطُّ: اردک)

معنی: پرنده‌ای که در خشکی و آب زندگی می‌کند.

۵ - عَدَمُ وُجُودِ الضُّوءِ). الظَّلامُ: تاریکی)

معنی: نبودن نور.

۶ - نَشْرُ النُّورِ). الْإِنَارَةُ: نور دادن)

معنی: انتشار نور

جواب تمرین صفحه ۷۳ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین دوم _ الثانی

□ عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ = .

مترادف و متضاد را شناسایی کنید

سَلَمٌ ≠ حَرْبٌ صلح / جنگ	إِسْتَطَاعَ = قَدَرَ توانست
إِحْسَانٌ ≠ إِسَاءَةٌ نیکی / بدی	إِقْتَرَبَ ≠ ابْتَعَدَ نزدیک شد / دور شد
ظِلَامٌ ≠ ضِيَاءٌ تاریکی / روشنایی	بَنَى = صَنَعَ ساخت
نور = ضَوْءٌ نور	عَدَاوَةٌ = صِدَاقُهُ دشمنی / دوستی
حُجْرَةٌ = غُرْفَةٌ اتاق	غَيْمٌ = سَحَابٌ ابر
قَرَبٌ ≠ بَعْدٌ نزدیک / دور	يَتَّبِعُ = عَيْنٌ جوی پر آب / چشمه
مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ خواهشمندم (لطفاً)	فَرَحٌ ≠ حَزْنٌ شاد / غمگین
جَاهِزٌ = حَاضِرٌ آماده	غُصَّةٌ = حُزْنٌ ناراحتی

جواب تمرین صفحه ۷۴ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین سوم _ الثالث

❑ اَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

نام کل فرم را در جای خالی بنویسید سپس چشم مورد نظر را.

الْبَطُّ = اردک / الْكِلَابُ = سگ ها / الْغُرَابُ = کلاغ / الطَّاوُوسُ = طاووس / الْحِرْبَاءُ = آفتاب پرست / الْبُقَرَةُ = گاو



۱- تُعْطَى الْبَقَرَةُ الْحَلِيبَ.
گاو شیر می‌دهد
الْفَاعِلُ: الْبَقَرَةُ



۲- يُرْسِلُ الْغُرَابُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.
کلاغ خبرهای جنگل را می‌فرستد
الْمَفْعُولُ: أَخْبَارَ



۳- ذَنْبُ الطَّاوُوسِ جَمِيلٌ.
دم طاووس زیبا است.
الْمُضَافُ إِلَيْهِ: الطَّاوُوسُ



۴- الْحِرْبَاءُ ذَاتُ عُيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.
آفتاب پرست چشمانی متحرک دارد.
الصِّفَةُ: مُتَحَرِّكَةٍ



۵- الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِالْكِلَابِ
پلیس با سگ‌ها امنیت را حفظ می‌کند.
الْمُبْتَدَأُ: الشَّرْطِيُّ



۶- الْبَيْطُ طَائِرٌ جَمِيلٌ.
اردک پرندۀ زیبایی است.
الْخَبَرُ: طَائِرٌ

جواب تمرین صفحه ۷۵ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین چهارم_ الرابع

■ عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

معنی: فاعل و مفعول کلمات رنگی را مشخص کنید.

مفهوم رنگ: فاعل | مفعول

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

معنی: پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

اللَّهُ: فاعل / سَكِينَتَهُ: مفعول

۲- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾

معنی: برای خود سود و ضرری ندارم جز آن که خدا بخواهد.

نَفْعًا: مفعول

۳- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ﴾

معنی: و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد.

مَثَلًا: مفعول / خَلَقَ: مفعول

۴- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾

معنی: و پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند.

رَبُّ: فاعل / أَحَدًا: مفعول

۵- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ﴾

معنی: خداوند برای شما آسانی را می‌خواهد.

اللَّهُ: فاعل / الْيُسْرَ: مفعول

♦ تمرین پنجم _ الخامس

■ عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

مبتدا و خبر را در احادیث زیر مشخص کنید.

مفهوم رنگ: مبتدا | خبر

۱- اَللَّذَمُّ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ.

معنی: پشیمانی برای سکوت بهتر از پشیمانی برای سخن (حرف زدن) است.

اَللَّذَمُّ: مبتدا / خَيْرٌ: خبر

۲- أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ.

معنی: بزرگ‌ترین حماقت اغراق در ستایش و نکوهش است.

أَكْبَرُ: مبتدا / الْإِغْرَاقُ: خبر

۳- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ.

معنی: سرور و بزرگ قوم، خدمت‌کار آنها در سفر است.

سَيِّدُ: مبتدا / خَادِمُهُمْ: خبر

۴- اَلْعِلْمُ صَيِّدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ.

معنی: علم شکار است و نوشتن قید و بند آن است.

اَلْعِلْمُ / الْكِتَابَةُ: مبتدا / صَيِّدٌ / قَيْدٌ: خبر

۵- اَلصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ .

معنی: نماز کلید هر خوبی است.

اَلصَّلَاةُ: مبتدا / مِفْتَاحُ: خبر

جواب تمرین صفحه ۷۶ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین ششم _ السادس

■ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ. (مبتدا و خبر و فاعل و مفعول و مضاف إليه)

جملات زیر را ترجمه کنید و سپس مکان دستوری کلمات رنگی را مشخص کنید

مفهوم رنگ: فاعل | مفعول | مبتدا | خبر | مضاف إليه

۱- ﴿اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾

معنی: آیا مردم را به خوبی امر می‌کنید و خودتان را فراموش می‌کنید.

النَّاسُ: مفعول / أَنْفُسُ: مفعول

۲- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

معنی: خداوند تکلیف نمی‌دهد به کسی جز به اندازه‌ی توانش.

اللَّهُ: فاعل / نَفْسًا: مفعول

۳- صَدْرُ الْعَاقِلِ، صُنْدُوقُ سِرِّهِ .

معنی: سینه انسان عاقل، مخزن رازهای اوست.

صَدْرُ: مبتدا / الْعَاقِلِ: مضاف الیه / صُنْدُوقُ: خبر / سِرِّ: مضاف الیه

۴- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

معنی: با ادبی، بدی اصل و نسب را می‌پوشاند.

الْأَدَبِ: مضاف الیه / قُبْحَ: مفعول

۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

معنی: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

عَدَاوَةُ: مبتدا / الْجَاهِلِ: مضاف الیه

جواب انوار القرآن صفحه ۷۷ درس پنجم عربی دهم

■ كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ

جاهای خالی ترجمه فارسی را پر کنید

۱- ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾

معنی: هر کسی چشنده مرگ است. (می‌میرد)

۲- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خُلُقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

معنی: و درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر می‌کنند؛

۳- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

معنی: [و می‌گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده نیافریدی؛

۴- ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

معنی: تو پاکی؛ ما را از شکنجه آتش نگاه دار؛

۵- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

معنی: پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته‌ای، و ستمگران، هیچ یابوری ندارند؛

۶- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾

معنی: ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم.

جواب انوار القرآن صفحه ۷۷ درس پنجم عربی دهم

■ اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرِ عِلْمِي بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارْسِيٍّ.
یک متن علمی کوتاه در مورد خلقت خداوند به زبان عربی بیابید، سپس با استفاده از فرهنگ لغت عربی-فارسی به فارسی ترجمه کنید.

قُدْرَةُ اللَّهِ فِي خَلْقِ الْإِنْسَانِ، خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ وَجَعَلَهُ خَلِيفَتَهُ فِي الْأَرْضِ وَكَرَّمَهُ عَنْ سَائِرِ الْمَخْلُوقَاتِ بِالْعَقْلِ وَتَجَلَّى قُدْرَةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي الْعَدِيدِ مِنَ الْمُعْجَزَاتِ وَالْعَجَائِبِ فِي خَلْقِ اللَّهِ الْإِنْسَانَ الَّتِي يُمَكِّنُ حَصْرُهَا وَهِيَ مِنَ الدَّلَائِلِ عَلَى قُدْرَةِ وَعَظَمَةِ خَالِقِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَلَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ بِالتَّفَكُّرِ وَالتَّدَبُّرِ فِي خَلْقِهِ لَهُ لَكِي يَذْكُرَ أَنَّهُ هُوَ الْخَالِقُ وَحْدَهُ شَرِيكَ لَهُ. وَتَجَلَّى قُدْرَةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي خَلْقِ الْإِنْسَانِ فِي خَلْقِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبُو الْبَشَرِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ ضِلْعِهِ الْأَيْسَرِ.

ترجمه فارسی:

قدرت خداوند در آفرینش انسان خداوند بزرگ انسان را خلق کرد و او را جانشین خودش در زمین قرار داد. او را با عقل و اندیشه از بقیه مخلوقات برتری داد. قدرت خداوند در بسیاری از معجزه ها و شگفتی های آفرینش انسان توسط خداوند متجلی می شود و غیر قابل شمارش است و این از نشانه های قدرت و عظمت خالق بزرگ است. خداوند به انسان دستور داده تا در آفرینش خود تفکر و تدبر کند تا بداند که او خالق بی همتا است و شریکی ندارد. قدرت خداوند بزرگ در آفرینش انسان در خلقت حضرت آدم از خاک و حواء از دنده چپ آدم هویدا می شود.